

فقط «یک توجه به خدا» کافی است!

در بین ایام و لیالی ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر آن از نظر اجابت دعا مورد تأکید خاص قرار گرفته است...



شب قدر؛ قلب رمضان

در بین ایام و لیالی ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر آن از نظر اجابت دعا مورد تأکید خاص قرار گرفته است. حتی تعبیری داریم که در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: **«قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ»**; یعنی آن شبی که از نظر آثار در پذیرش درخواست‌های عبد توسط ربّ برجسته‌ترین شب‌ها است، شب قدر است. لذا می‌بینیم در روایات متعدد بر این مطلب و آثار آن سفارش شده است که: **«مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ»**; یعنی هر که شب قدر را احیا بدارد، گناهان او آمرزیده شده است.

شب قدر کدام شب است؟

در بین این سه شب، یعنی شب نوزدهم و بیست‌ویکم و بیست‌وسوم، روی دو شب بیشتر تکیه شده است؛ یکی شب بیست‌ویکم و دیگری شب بیست‌وسوم. در روایات متعددی داریم که نسبت به شب قدر از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) سؤال می‌کنند. یکی موثقه زراره است که می‌گوید: **«سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ هِيَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ»**; از امام باقر (علیه‌السلام) سؤال کردم شب قدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند یا شب بیست و یکم است و یا شب بیست‌وسوم؛ **«قُلْتُ أَلَيْسَ إِتْمَا هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟»** به حضرت عرض کردم مگر شب قدر یک شب نیست؟ **«قَالَ بَلَى»**; حضرت فرمودند بله، یک شب است. **«قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي بِهَا»**; عرض کردم پس شما بفرمایید کدام یک از آن‌ها است؛ چرا می‌فرمایید یا این یا آن؟! **«قَالَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا فِي لَيْلَتَيْنِ»**.

در یک روایت دیگر که راوی‌اش شخص دیگری است، او هم همین سؤال را می‌کند. می‌گوید من به حضرت عرض کردم شب قدر چه وقت است؟ ایشان فرمودند شب بیست‌ویکم یا شب بیست‌وسوم؛ گفتم: **«أَقْرَبُ لِي إِحْدَاهُمَا»**; یعنی مشخص کنید که کدام یک از این دو شب است؛ حضرت فرمودند: **«وَمَا عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي لَيْلَتَيْنِ هِيَ إِحْدَاهُمَا»**; چه می‌شود که تو در دو شب اعمالی را که وارد شده است انجام دهی و در آن دو شب دعا کنی!؟

درجه‌بندی شب‌های قدر از نظر اهمیت

این‌هایی را که گفتم، برای روشن شدن اهمیت شب‌های قدر بود. شب بیست‌ویکم اهمیتش بیشتر از شب نوزدهم است و شب بیست‌وسوم اهمیتش از شب بیست‌ویکم بیشتر است. با توجه به آن روایتی که شب نوزدهم عرض کردم که می‌فرمایند شب نوزدهم، شبی است که بررسی می‌کنند و شب تقدیر و اندازه‌گیری کردن امور نسبت به سال آینده است. اما این‌طور نیست که این بررسی بدون توجه به مسائل گذشته باشد؛ چون بحث این است که وقتی خداوند بخواهد امر فرماید که امور را تقدیر و ترسیم و اندازه‌گیری کنند و بعد هم ثبت و ضبط کنند، با توجه به سابقه رابطه‌ای است که عبد با مولایش داشته است. پس شب نوزدهم، شب بررسی سوابق است. شب بیست‌ویکم، شبی است که بعد از آنکه امور و سوابق آن بررسی شد، در آن شب ثبت و ضبط می‌شود؛ یعنی امور سال آینده را می‌نگارند. شب بیست‌وسوم هم شب توشیح است که جلسه گذشته عرض کردم.

در شب قدر چگونه دعا کنیم؟

چون بحث ما راجع به دعا است، عرض کردم که در دعا سه چیز مطرح است؛ یکی **«داعی»**؛ یعنی درخواست‌کننده و کسی که صدا می‌کند دیگری را و تقاضا می‌کند، دوم خود **«دعا»**؛ و درخواست است، سوم هم **«مدعوی»**؛ یا درخواست‌شونده است که طرف مقابل است. این جلسه می‌خواهم بروم سراغ **«درخواست»**؛ جلسه گذشته گفتم که وقتی وضع **«درخواست‌کننده»** را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم وضع خراب است. یعنی رابطه بین درخواست‌کننده و درخواست‌شونده سال گذشته رابطه خوبی نبوده است. این جلسه ما می‌خواهیم وارد شویم در اینکه حالا چه می‌خواهی بگویی و از خدا چه می‌خواهی؟ پس این جلسه دنبال خواسته‌هایمان هستیم.

من یک مسأله عرفی را مطرح می‌کنم و بعد می‌روم سراغ روایاتی که روش دعا کردن را به ما می‌آموزند. سؤال من که عرفی هم هست، این است که اگر من با کسی رابطه‌ای داشتم و رابطه‌ام هم یک چنین رابطه‌ای بود که او به من محبت می‌کرد و من در ازای محبت‌هایش به او بد می‌کردم و هرچه روش او دوستانه بود، روش من نعوذبالله دشمنانه بود، حالا اگر بخواهم از او درخواستی کنم، باید چه کار کنم؟ کارمان هم گیر کرده و سروکارمان هم با همان شخص است. حالا چه کار کنیم؟

اول به بدی‌هایت اعتراف کن!

حالا فرض کنید من می‌روم پیش او؛ شرمنده و سرافکنده هم هستم. وقتی می‌روم آنجا، اولین چیزی که به او می‌گویم چیست؟ اولین حرفی که به او می‌زنم چیست؟ خودتان پیش خودتان جواب این سؤال را بدهید؛ چه کار می‌کنید؟ غیر از این است که اولین حرفی که به او می‌زنم، این است که می‌گویم «فلانی، من به تو بد کردم»؛ با این سوابع سوئی که پیش او دارم، اولین حرفم باید همین باشد دیگر؛ باید به او بگویم من بد کردم؛ اما تو بیا ما را ببخش و ندیده بگیر. باید این اعتراف و عذرخواهی را بکنم تا بعد از آن رو داشته باشم که آن چیزهایی را که می‌خواهم با او مطرح کنم و تقاضاهایم را از او درخواست کنم.

راه دعا را گم نکنی!

حالا می‌رویم سراغ روایات؛ این‌ها معارف ما است. روایات متعددی داریم که این بحث را مطرح کرده‌اند. کسی می‌آید خدمت امام صادق (علیه‌السلام) و می‌گوید آقا، من دعا می‌کنم ولی دعاهایم به اجابت نمی‌رسد؛ چه کار کنم؟ مگر خدا نگفته است «وَأَذْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ خودش این حرف را گفته است. این همه آیات قرآنی در این باب وارد شده است؛ پس چرا با این حال، وقتی ما خواستیم به ما نمی‌دهد؟ حضرت نکته‌ای را به او می‌فرماید و آن این است که به او می‌گوید تو باید از جهت دعا وارد شوی و دعا کنی؛ می‌گوید: «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ»؛ یعنی تو راه دعا را گم کرده‌ای؛ دعا راه دارد. «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ»؛ اگر از خدا تقاضا کنی، اما از همان راه دعا، اگرچه گناهکار هم باشی، جوابت را به تو می‌دهد.

توبه کن و پوزش بطلب!

بعد حضرت به او دستورالعمل می‌دهد؛ ابتدا مسأله حمد و ثنای الهی را مطرح می‌فرماید که خودش بحث جداگانه دارد و بعد این جمله را دارد: «وَلَوْ تَعْتَزُّ بِدُئُوبِكَ دُئُوبٌ نَبِيٌّ»؛ یعنی پیش خدا که رفتی، به یکایک گناهانت اعتراف کن و بگو بد کردم. «وَلَوْ تَعْتَزُّ بِهَا»؛ یعنی اقرار کن. بعد دارد: «وَأَوْ يَمَّا ذُكِرَتْ مِنْهَا»؛ یعنی مگر تو می‌توانی خطاهایت را بشماری؟ نمی‌توانی! پس همان مقدار که یادت می‌آید چه کردی را اقرار کن. بعد می‌فرماید: «وَلَوْ تَجْمَلُ مَا حَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا»؛ یعنی آن چیزهایی که بر تو پوشیده است را اجمالاً اعتراف کن؛ یعنی همان جمله‌ای که من مکرر گفته‌ام؛ این شب‌ها، شب‌هایی است که انسان برود در خانه خدا و بگوید خدایا، بد کردم؛ خیلی هم بد کردم. بدی‌هایم را هم نمی‌توانم بشمرم. اما اجمالاً اعتراف می‌کنم. «وَلَوْ تَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ»؛ بعد آنجا عذرخواهی کن و بگو حالا از ما چشم‌پوشی کن. این یک نکته بود که امام صادق (علیه‌السلام) اشاره فرمودند.

در دلت تصمیم بگیر که دیگر گناه نکنی!

اما نکته دوم این است که حضرت در ادامه می‌فرمایند: «وَلَوْ أَنْتَ تَتُوبُ أَلَا تَعُودُ»؛ یعنی عذرخواهی کن و پوزش بطلب؛ بعد هم در دلت، نه زبانت، واقعاً بنا بگذار که دیگر این کارها را نکنی. «وَلَوْ تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا يَنْدَامَ وَ صِدْقٌ نِيَّةٍ وَ خَوْفٍ وَ رَجَاءٍ»؛ یعنی پوزش هم که می‌طلبی، با حالت پشیمانی و صدق نیت و با خوف و رجاء باشد. در بهترین ایام و بهترین موقعیت‌ها که دعا به اجابت می‌رسد، آن هم در حالی که خودش مرا دعوت کرده و گفته بیا و من هم آمده‌ام و سرافکنده هم هستم، اعتراف هم می‌کنم به اینکه من بد کرده‌ام، تصمیم هم می‌گیرم که دیگر بد نکنم؛ این‌ها همه مقدمه این است که بتوانم از خدا درخواست کنم.

از خدا کمک بخواه که مطیع او شوی!

آن وقت، حضرت این را در یک قالب می‌ریزند و می‌فرمایند: «وَلَوْ يَكُونُ مِنْ قَوْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ لِيْكَ مِنْ دُؤُوبِي وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ»؛ یعنی حالا که می‌خواهی با خدا حرف بزنی، بگو خدایا من معذرت می‌خواهم از گناهانم؛ من از تو می‌خواهم که از من بگذری و توبه‌ام را بپذیری. اما تنها خواسته‌ات این نباشد؛ از خدا فقط نخواه که از گناهانت بگذرد؛ بلکه در دعاهایی که این شب‌ها می‌کنید، از خدا بخواهید که خدا کمکتان کند که سال آینده مطیع خدا باشید. «وَلَوْ فَأَعْيَيْ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقَنِي لِمَا أُوجِبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ»؛ از خدا این‌ها را بخواه. مغفرت بخواه، تصمیم هم بگیر که دیگر دستت را به آن خطاها آلوده نکنی، بعد هم بگو ای خدا، حالا کمکم کن که سال آینده من دیگر این‌طور گناه نکنم.

یک توجه، فقط یک توجه کافی است!

آن وقت مطمئن هم باش که او می‌گذرد. من یقین دارم؛ اصلاً اعتقاد این است که آن‌هایی که امشب «وَلَوْ فَأَعْيَيْ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقَنِي لِمَا أُوجِبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ»؛ یک توجه هستند. «وَلَوْ فَأَعْيَيْ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقَنِي لِمَا أُوجِبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ»؛ یک توجه به اینکه «وَلَوْ فَأَعْيَيْ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقَنِي لِمَا أُوجِبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ»؛ خدایا ما بد

کردیم؛ همه چیز تمام می‌شود؛ او هم کار را تمام می‌کند. پس اول معذرت‌خواهی کن؛ بعد هم طلب کمک کن که سال آینده دیگر من این‌طور عمل نکنم و بگو خدایا، تو خودت دستم را بگیر. این روند دعا را به ما یاد داده‌اند. چون من بحثم امشب همین بود که درخواست کننده، درخواستش در این شب‌ها چه باشد، گفتم که اول مغفرت، اما با اعتراف به گناهان؛ بعد هم طلب کمک از خدا برای اینکه سال آینده من آلوده به گناه نشوم و مطیع او باشم.

حالا دعا کن!

این تازه مقدمه درخواست‌های بعدی ما است. اینجا است که خطاب می‌رسد حالا چه می‌خواهی؟ درخواستت چیست؟ در عرف خودمان هم همین‌طور هستیم که اگر طرف مقابلمان یک انسان کریم باشد، وقتی برویم پیش او و بگوییم آقا، ما معذرت می‌خواهیم، ما به شما بد کردیم، ولی کارمان گیر کرده، او چه جواب می‌دهد؟ می‌گوید: «سَلِّ حَاجَتَكَ»؛ حالا حاجت‌هایت را از من بخواه! بگو ببینم از من چه می‌خواهی؟ این عین تعبیری است که در روایات ما هست. خدا خطاب می‌کند بگو؛ سؤال کن؛ بخواه؛ چه دنیوی، چه اخروی. حالا من چه بخواهم؟

در اینجا یک مطلبی را عرض کنم. ما چون مخلوقیم، همه ما تنگ‌نظریم. یعنی چون محدودیم، نعوذبالله. خدا را هم مثل خودمان فرض می‌کنیم. اما این تصور اشتباه است. در معارف ما این هست که آنچه را که به ذنبت می‌آید از خدا بخواه، اما به این بسنده نکن. بگو خدایا، این‌هایی که به ذهن من می‌رسد، همین است؛ اما سال آینده ما نمی‌دانیم چه گرفتاری‌هایی ممکن است برای ما پیش بیاید. یک چیزهایی هست که ما به آن‌ها محتاج می‌شویم و الآن به فکرمان هم نمی‌آید. لذا بسنده کردن و اکتفا کردن به این گرفتاری‌هایی که در ذهنمان هست یا احتیاجات فعلیه‌ای که الآن داریم، اشتباه است.

فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

روایت از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که حضرت فرمود: «171؛ إِنَّ الرِّزْقَ لَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عَدَدِ قَطْرِ الْمَطَرِ»؛ یعنی روزی‌ها از جهت علوی به عدد قطره‌های باران به سوی بندگان می‌آید؛ این عنایت الهی است. «171؛ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ لَهَا»؛ به سوی هر انسانی به همان اندازه‌ای که برای او تقدیر شده نازل می‌شود. فرض بفرمایید امشب از خدا می‌خواهیم که مقدرات سال آینده ما را از هر جهت خوب رقم بزند. ولی این را هم بدان: «171؛ وَ لَكِنَّ لَهُ قُضُولًا»؛ خیال نکنی که فقط همین است و به همین اندازه مقدر می‌توانی از او بخواهی؛ نخیر، خدا زیادتی دارد که من و تو آن زیادتی را اصلاً نمی‌توانیم درک کنیم. «171؛ فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ از خدا نسبت به اضافه‌هایش و زیادتی‌هایش درخواست کن. برو سراغ اضافه‌هایش؛ نه تنها آنچه را که برای هر کس مقدر کرده است.

برای دیگران هم دعا کن!

آن وقت اینجا می‌خواهم یک نکته را هم عرض کنم؛ ما در روایات بسیار داریم که برای دیگران خواستن و در حق دیگران دعا کردن، موجب می‌شود که برای من هم فزونی پیدا کند و خدا برای من را هم بیافزاید. یکی از عواملی که در زیادتی نسبت به حاجات مؤثر است، همین دعا کردن برای غیر است. پس اولاً ما در خواسته‌های مربوط به خودمان نباید نظرتنگی کنیم؛ از آن طرف هم اکتفا و بسنده نکنیم به خودمان؛ بلکه باید برای دیگران هم دعا کنیم.

من برای شما مثال می‌زنم؛ بسیاری از گرفتاری‌ها هست که من ندارم، ولی مسلماً افرادی هستند که مبتلا به آن گرفتاری‌ها هستند. عکس آن هم همین‌طور است. اگر من برای همه دعا کنم، اثرش این است که اولاً آن گرفتاری‌ها از او برطرف می‌شود و ثانیاً دیگر به سراغ من نمی‌آید. این‌ها همه معارف ما است. اینکه ما در روایاتمان داریم که لیالی قدر، اطراف این مجالس را فرشتگان الهی گرفته‌اند و نازل شده‌اند و برای ما دعا می‌کنند، چه بسا اشاره به همین باشد. چه بسا این داعی خودش به آنچه که محتاج است، اصلاً توجه ندارد تا درخواست کند؛ اینجا اگر ما برای دیگران دعا کنیم، آن فرشته‌ها که از احتیاجات ما آگاهند، برای ما دعا می‌کنند. این‌ها را می‌گوییم تا بفهمید که از خدا چه بخواهید و از این موقعیت بهترین استفاده را بکنید.

اصلاً روی نماز و روزه‌های حساب نکن!

موقعی که این روایات را می‌دیدم، گفتم نسبت به گناهانمان که شب‌های نیست؛ سراپای ما را خطا گرفته است. اما بالأخره ما در عرض این یک سال گذشته، طاعات و عبادات ظاهری هم انجام داده‌ایم. فرض کنید در این ماه رمضان به حسب ظاهر روزه هم گرفته‌ایم و کارهایی را که صورت طاعت داشت، انجام داده‌ایم. ولی این را به شما بگویم که این طاعت‌ها اصلاً قابل ارائه نیست تا مثلاً بخواهی بگویی خدایا، من برای تو یک‌چنین کاری را هم کرده‌ام. آن‌قدر این طاعات ما آفات دارد که کار به اینجا نمی‌رسد که بتوانیم یک چنین حرفی را هم بزنیم. من این‌ها را می‌گویم برای اینکه یک‌وقت کسی پیش خودش فکر نکند ما این همه نماز خواندیم، روزه گرفتیم، کذا و کذا و کذا...! بگو ببینم، کدام‌یک از این اعمال خالصاً مخلصاً لوجه‌الله بود؟! می‌توانی بگویی؟! من که نمی‌توانم بگویم! نور به قبرش بیارد، استاد ما رضوان الله تعالی علیه. را که فرمود: «171؛ مِنْ دُو رَكَعَتِ نَمَازٍ لِلَّهِ نَخْوَانَهُ»؛ وقتی او چنین می‌گوید، ما چه می‌توانیم بگوییم؟! البته فرمایش ایشان در یک سطح بالای معرفتی بود؛ در سطح ما اصلاً کار به آنجا نمی‌کشد!

حُبَّ عَلِيٍّ (علیه‌السلام) به طاعات جان می‌بخشد

اما روایتی از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که دل‌گرمی ما به همان روایت و امثال این روایت است. حضرت فرمود:

« مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتَهُ وَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ دُعَائِهِ؛ یعنی اگر کسی علی(علیه‌السلام) را دوست بدارد، نافرمود شیعه علی باشد؛ بلکه فرمود همین که علی(علیه‌السلام) را دوست داشته باشد این محبت علی(علیه‌السلام) به اعمال و طاعاتش جان می‌بخشد و اسکت اعمال ظاهری‌اش را زنده می‌کند؛ خدا نمازهایش را قبول می‌کند؛ روزه‌هایی که گرفته است را خدا از او قبول می‌کند؛ عبادت‌هایی را که کرده است، همه را می‌پذیرد. بعد هم دارد: « وَ اسْتَجَابَ دُعَائِهِ؛ عجب! پس معلوم می‌شود یکی از عوامل اجابت دعا، حُبّ علی(علیه‌السلام) است. این جزء معارف ما است. من که خودم را نگاه کردم، دیدم من علی را دوست دارم؛ خدا که از دل من آگاه است. من بعید می‌دانم در این جمع ما کسی باشد که علی را دوست نداشته باشد. مگر می‌شود؟! بدانید که معصیت‌ها با یک توجه و یک معذرت‌خواهی تمام است و بخشوده می‌شود؛ از آن طرف، اطاعت‌های دست‌وپا شکسته ما را هم حُبّ علی(علیه‌السلام) جان می‌بخشد و روح می‌دهد و آنها را زنده می‌کند. خدا هم این‌ها را قبول می‌کند.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیه‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی